



بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين

عن سُلَيْمَانَ بْنِ جَعْفَرِ الْجَعْفَرِيِّ قَالَ سَمِعْتُ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ مَرَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالرَّجُلِ يَتَكَلَّمُ بِفُضُولِ الْكَلَامِ ( ۱ )  
سخنان زیادی، سخنان بیهوده، سخنانی که برای گوینده و شنونده هیچ سودی به همراه ندارد، داشت اینجور حرف‌هایی می‌زد.

فَوَقَّفَ عَلَيْهِ

امیرالمؤمنین دارد در راه عبور می‌کند، می‌بیند که یک نفری ایستاده، دارد همین‌طور حرف بی‌خود می‌زند ؛ حرف‌هایی که هیچ فایده‌ای بر آن مترتب نیست ؛ نه برای گوینده و نه برای شنونده. حضرت ایستاد.

ثُمَّ قَالَ إِنَّكَ تَمْلِي عَلَيَّ حَافِظِيكَ كِتَابًا إِلَى رَبِّكَ

[و به آن مرد فرمود:] تو داری [حرف‌هایت را] املاء می‌کنی بر این دو فرشته‌ای که محافظ و مراقب تو هستند. داری نوشته‌ای را بر اینها املاء می‌کنی ؛ تو می‌گویی و اینها هم می‌نویسند.  
کلمه به کلمه‌ی آنچه که از زبان من و شما خارج می‌شود نوشته می‌شود. این نوشته بعداً ممکن است به ضرر ما تمام بشود. بدانیم چه داریم می‌گوییم.

فَتَكَلَّمْ بِمَا يَعْنيك

به آن چیزی که برای تو مهم است سخن بگو و زبان باز کن.

و دَعُ مَا لَا يَعْنيك

آنچه که برای تو مهم نیست، گفتنش فایده‌ای ندارد یا ضرر دارد، آن را رها کن.  
بدان چه داری می‌گویی.

(۱) الامالی شیخ صدوق، صفحه‌ی ۸۵